نگاه ویژه قرآن به شهید و شهادت

محمداحسان آزادی

شهید در راه خدا کسی است که همه هستی و حقیقت غیب الهی را می‌بیند و با مرگ خویش در جهاد در راه خدا بدان گواهی می‌دهد. او شاهد حقیقت و حقانیت است.

فهم و درک مقام شـــهید و شهادت جز برای کسی که در مسیر شهادت گام بر می‌دارد، شاید دست یافتنی نباشد؛ بنابراین، باید شهید زیست تا حقیقت شهادت و شهید را درک کرد.

از نظر آموزه‌های قرآن، قتل می‌تواند از نظر ظاهری یکسان باشد؛ زیرا مرگ به دست دیگری می‌تواند برای امور پست دنیوی باشد، یا برای امور متعالی الهی. کسی شهید اســـت که در مقاتله با دشمنان و اقامه دین الهی، حق، حقانیت، عدالت، صلح، امر به معروف و نهی از منکر گام بردارد و به دفاع از مظلوم و مستضعف علیه ظالم و مستکبر قیام کند. در نوشتار حاضر ارزش و مقام شهادت و آثار آن از منظر قرآن بررسی شده است.

***

مفهوم فقهی و کلامی شهادت

شهادت از ریشه شهد به معنای رویت و مشاهده امری است. واژه شهادت به معنای حاضر بودن و مشاهده چشمی یا بصیرتی امری است. همچنین شهادت به معنای سخنی از روی علم است که با مشـــاهده حسّی و یا با بصیرت حاصل شود.(مفردات الفاظ قرآن کریم، راغب اصفهانی، ص ۴۶۵- ۴۶۶، شهد)

> **شهادت هر چند فوز عظیم است، اما مؤمن تلاش می‌کند تا اهداف الهی را در دنیا تحقق بخشـــد و هدف و فلسفه جهادش در راه خدا، تحقق راه خدا و اقامه دین الهی در جهان اســـت، اما در این راه جانش را کف دست می‌گیرد و از شهادت و مرگ نمی‌هراسد. از این رو در آموزه‌های قرآن از احدی الحسنیین، یعنی پیروزی یا شهادت سخن گفته شده است.**

شهادت در اصطلاح فقه اسلامی، خبر دادن قطعی به دیدن یا شنیدن از حقّ کسی برای فرد دیگری است، با این قید که این خبر دادن از ناحیه حاکم شرع نباشد، زیرا کلام وی شهادت نیست.

اما مراد از شهادت در این نوشتار، شهادت فقهی نیست که در دادگاه و محاکم برای اثبات امری استفاده می‌شود، بلکه مراد همان قتل در راه خدا است.(آل عمران، آیه ۱۶۹)

آثار شهادت در راه خدا

برای فهم حقیقت شهادت در راه خدا بهتر آن است تا به آثار آن توجه شود. از نظر قرآن، انسان دنبال امنیت به عنوان اصلی‌ترین مؤلفه خوشبختی است. لذا با ایمان به خدا و آخرت دنبال امنیت می‌رود. یکی از مهم‌ترین آثار شهادت و قتل در راه خدا، دستیابی شهید به آرامش و امنیت و رهایی از خوف و ترس و حزن و اندوه است.(آل عمران، آیات ۱۶۹ و ۱۷۰)

البته مؤمن حقیقی که عاشق خدا و عبودیت و بندگی اوست، پیش از آنکه در اندیشـــه امنیت و آرامش خود باشد، در اندیشه بازگشت به سوی خدا(آل عمران، آیه ۱۵۸؛ اعراف، آیات ۱۲۰ تا ۱۲۵؛ شعراء، آیات ۴۶ تا ۵۰) در شرایطی است که رضایت الهی در آن است. بنابراین، شهادت را راهی برای بازگشت به سوی خدا در اوج رضایت الهی می‌داند و با نفس مطمئن در اندیشه بازگشت به سوی خدا در مقام راضیه مرضیه و رسیدن به رضوان الله است.(بقره، آیه ۲۰۷؛ آل عمران، آیات ۱۵۷ و ۱۶۲؛ توبه، آیات ۲۰ و ۲۱)

اقدامات شهید در پیش و پس از شهادت او را چنان به خدا نزدیک می‌کند که بیرون از تصور انسان‌ها است؛ زیرا اگر سجده در پیشـــگاه خدا عامل تقرب به خداست، شهید هنگامی که بر زمیـــن می‌افتد و در خون خویش می‌غلتد، در حالتی به ملاقات خدا می‌رود که برترین و بهترین حالت را در زندگی دنیوی خویش به نمایش گذاشته است. از این رو شهادت بهترین بستر تقرب به خدا است(آل عمران، آیه ۱۶۹؛ توبه، آیه ۲۰)؛ زیرا از نظر قرآن، شـــهادت در راه خدا، مایه رسیدن به حیات همیشگی و جاودانه در جوار خدا و قرب اوست.(بقره، آیه ۱۵۴؛ آل عمران، آیه ۱۶۹؛ توبه، آیات ۲۰ تا ۲۲)

شهید با ریخته شدن خونش نه تنها از زندان دنیا آزاد می‌شود، بلکه از سوی خدا از همه‌آلودگی‌ها پاک شده و گناهانش پوشانده می‌شـــود(آل عمـــران، آیه ۱۹۵) و خدا خود همـــه امور مهم و اساسی‌اش را اصلاح می‌کند.(محمد، آیات ۴ و ۵) به سخن دیگر، از نظر قرآن، شـــهید با اولین قطره خونش، به رحمت، مغفرت و رضوان الهی دست می‌یابد و به فوز عظیم می‌رسد.(آل عمران، آیه ۱۵۷؛ توبه، آیات ۲۰ و ۲۱) شهید با شهادت خویش به رستگاری عظیم می‌رسد و از همان زمان شهادت، از روزی خاص الهی بهره می‌برد(آل عمران، آیه ۱۶۹؛ حج، آیه ۵۸)

خدا با انتخاب شهیدان، آنان را در میان مسلمانان و مؤمنان در جایگاه بلند شاهد و گواه الهی قرار می‌دهد و ارزش ویژه‌ای به آنان می‌بخشد.(آل عمران، آیه ۱۴۰)

شهادت شهید همان گونه که موجب سرور و بهره مندی از فضل و نعمت الهی و رهایی از خوف و حزن می‌شود(آل عمران، آیات ۱۶۹ تـــا ۱۷۱؛ توبه، آیه ۱۱۱)، همچنین مهم‌ترین عامل دســـتیابی به کرامت خاص و قرار گیری در مقام مکرمین است.(یس، آیات ۲۰و ۲۶ و ۲۷)

شهید با شـــهادت خویش نشان می‌دهد که در ایمان خود صادق است و صداقت خویش را با خونش امضا می‌کند. پس او را باید جزو صدیقین و صادقین دانست که همانند حضرت ابراهیم و اسماعیل(علیهما السـلام) با قربانی جان در راه خدا صادقانه مدعـــای خویش را به نمایش می‌گذارند(احزاب، آیات ۲۳ و ۲۴؛ مجمع‌البیان، ج ۷- ۸، صص ۵۴۸- ۵۴۹)

کسی که مقامات عظیم شهدای در راه خدا را بشناسد، آرزو می‌کند که در این راه شهید شود تا به این فوز عظیم برسد(آل عمـــران، آیه ۱۴۳)؛ امام باقر(ع) دربـــاره آیه مذکور فرمود: فإنّ المؤمنین لما أخبرهم الله بالّذی فعل بشهدائهم یوم بدر و منازلهم من الجنّة رغبوا فی ذلک فقالوا اللّهمّ أرنا القتال سنشهد فیه؛ زمانی که مؤمنان خبرهای الهی را درباره شهیدان روز بدر و منزلت و مقام ایشان در بهشت شنیدند، علاقه مند به شهادت شدند و گفتند: بارالها! ما را در میادین جنگ در آر تا در میدان جهاد به شهادت برسیم.(تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۱۹)

> **کسی شهید می‌شود که شهید زیســـته و ارزش‌های آن را اقامه کرده باشـــد.از همین رو از نظر قرآن، جهاد نظامی زمانی شخص را به جبهه مـــی‌آورد و او را در مقام مجاهدان در میدان قرار می‌دهد که عمرش را در اندیشه ارزش‌های الهی گذرانده باشد.**

زمانی که ســـاحران به دست فرعون شهید شدند، حضرت آســـیه همسر فرعون آرزوی شهادت و کســـب مقام شهادت را داشته است(تحریم، آیه ۱۱)؛ زیرا دعای ربّ ابن لی عندک بیتاً فی الجنّة از جانب آسیه به هنگام شکنجه‌های فرعونیان، گویای طلب و آرزوی شهادت از سوی او است. (اقتباس از: روح المعانی، ج ۱۵، جزء ۲۸، ص ۲۴۳)

البته از نظر آموزه‌های قرآن، شهادت هر چند فوز عظیم است، اما مؤمن تلاش می‌کند تا اهداف الهی را در دنیا تحقق بخشد و هدف و فلســـفه جهادش در راه خدا، تحقق راه خدا و اقامه دین الهی در جهان است، اما در این راه جانش را کف دست می‌گیرد و از شـــهادت و مرگ نمی‌هراسد. از این رو در آموزه‌های قرآن از احدی الحسنیین، یعنی پیروزی یا شهادت سخن گفته شده است.(توبه، آیه ۲۷؛ المیزان، ج ۹، صص ۳۰۷- ۳۰۸)

بنابراین ارزش شهادت در این است که شهید دنبال اقامه دین الهی اســـت، هر چند که در این راه به شهادت برسد. همچنین شهادتی ارزشمند است که نه به سودای بهشت، بلکه به قصد اقامه دین و در راه خدا باشد، هر چند که برایشان بهشت ثبت می‌شود و خدا بشـــارت بهشت و تکریم و رضوان الهی را داده است.(توبه، آیه ۱۱۱) شهید در اندیشه دنیا و بهره مندی از آن نیست، اما در اندیشه اقامه دین در دنیا است(آل عمران، آیه ۱۵۷)؛ از همین رو منافقان گرایشی به شهادت ندارند؛ زیرا برای آنان ارزش‌های دنیوی مهم و اساســـی است.(آل عمران، آیه ۱۶۸) به هر حال، مؤمنان راستین دنبال اقامه دین می‌روند و در این راه جان بر کف هستند و از مرگ و شهادت نمی‌ترسند، بلکه همچون مولی الموحدین امیرمؤمنان علی(ع) به استقبال شهادت می‌روند(بقره، آیه ۲۰۷)؛ در روایتی از امام باقر(ع) آمده آیه یاد شده در مورد علی(ع) نازل شده، آن زمان که حاضر شد به جای رسول خدا(صلی الله علیه وآله) در بســـتر حضرت بخوابد و جان خود را فدا کند. (البرهان، ج ۱، ص ۲۰۶، ح ۷)

پس شـــهادت چنان در میان مؤمنان ارزشـــی است که به شـــهادت و رهسپاری به سوی قتلگاه خویش شتاب می‌کنند و بر یکدیگر ســـرعت و سبقت می‌جویند(آل عمران، آیات ۱۴۳ و ۱۵۴)، چنان‌که ساحران زمان فرعون و مجاهدان در صدر اسلام این‌گونه بودند.(اعراف، آیات ۱۲۳ تا ۱۲۵؛ طه، آیات ۱۷۰ تا ۱۷۳)

شـــهیدان دارای امتیازات خاصی در نزد خدا هستند که از جمله می‌توان حیات خاص(بقره، آیه ۱۵۴؛ آل عمران، آیه ۱۶۹)، حشر خاص(آل عمران، آیه ۱۵۸)، اهتمام و حمایت خاص الهی و توجه به امورشان(محمد، آیات ۴ و ۵)، امکان رجعت به دنیا پس از شـــهادت(آل عمران، آیات ۱۵۷ و ۱۵۸ و ۱۸۵)، علم و آگاهی شـــهیدان به وضعیت مجاهدان در دنیا(آل عمران، آیات ۱۶۹ و ۱۷۰)، کرامت خاص(یس، آیه ۲۷) و مانند آنها اشاره کرد.

زمینه‌های شهادت

از نظر آموزه‌های قرآن، انســـان در طول زندگی خویش در چارچوب سنت‌ها و قوانین حاکم برهستی گرفتار انواع ابتلائات و مصیبت‌ها می‌شود که جنگ و نقص در جان و مال از جمله آنها است؛ اما انسان مؤمن نه تنها از امتحان‌ها و ابتلائات الهی گریزان نیست، بلکه آن را فرصتی برای رشد خویش و بهره مندی برای اقامه دین و حذف و دفع دشمنان دین و اقامه عدالت در جهان می‌داند. بنابراین، صبورانه به استقبال فتنه‌ها و ابتلائات می‌رود.(بقره، آیات ۱۵۵ و ۱۵۶؛ آل عمران، آیه ۱۸۶)

البته شـــهادت همانند هر امر دیگری در چارچوب مشیت و تقدیرات الهی تحقق می‌یابد و هر کسی لایق مقام شهید نمی‌شود و به شهادت نمی‌رسد؛ بلکه باید شرایطی برای شخص ایجاد شده باشد تا به چنین مقام و فوز عظیم برسد.(آل عمران، آیات ۱۵۴ و ۱۵۶؛ توبه، آیات ۵۰ و ۵۱) از نگاه قرآن تشویق الهی عاملی است تا شخص به سوی شهادت گرایش یابد(بقره، آیات ۱۵۴ و ۲۰۷؛ آل عمران، آیات ۱۵۷ و ۱۶۹ تا ۱۷۱)، اما این به تنهائی موجب نمی‌شود تا شخص جان به دست برای اقامه دین الهی قیام کند، بلکه باید به چنان درجه‌ای از ایمان و تقوای الهی برسد که بتواند تنها برای رضای الهی و اقامه دین همه چیزش را بگذارد و جان بر کف به سراغ دشمن و موانع برود و آنها را از سر راه بردارد. از نظر قرآن کسی که مؤمن نیست و مدعی ایمان همچون منافقان اســـت(احزاب، آیات ۱۶ تا ۱۹) یـــا در مرتبت ثبات ایمانی قرار نگرفته است(آل عمران، آیات ۱۴۲ و ۱۴۳) نه تنها ترس از مرگ دارد، بلکه اصلا حاضر نیســـت تا در شرایطی قرار گیرد که جان بر کف به میدان برود.

ایمان راسخ در مؤمنان آنان را به سوی شهادت سوق می‌دهد و هیچ ترس و واهمه‌ای نسبت به مرگ و شهادت و ورود به میدان جنگ ندارند.(آل عمران، آیات ۱۶۹ تا ۱۷۱؛ اعراف، آیات ۱۲۰ تا ۱۲۷؛ توبه، آیه ۱۱۱؛ شعراء، آیات ۴۶ تا ۵۰)

مؤمنان زمانی دنبال شـــهادت می‌روند که تمام تلاش خود را برای اقامه و تبلیغ دین به کار می‌گیرند؛ در حقیقت شهادت مســـیری است که از درون اقامه دین و تبلیغ آن بیرون می‌آید؛ پس کسی که دنبال اقامه و تبلیغ دین نیست، نمی‌تواند مدعی آن باشد که یکدفعه به جایگاه شهید می‌رسد. از همین رو، کسی شهید می‌شود و مقام کرامتی شهید را به دست می‌آورد که زندگی خویش را در چارچوب ارزش‌ها و دین الهی تنظیم کرده باشد و دنبال برقراری احکام و ارزش‌های دین باشد.(یس، آیات ۲۰ تا ۲۶)

پس کسی شهید می‌شود که شهید زیسته و ارزش‌های آن را اقامه کرده باشد.(همان) از همین رو از نظر قرآن، جهاد نظامی زمانی شخص را به جبهه می‌آورد و او را در مقام مجاهدان در میدان قرار می‌دهد که عمرش را در اندیشـــه ارزش‌های الهی گذرانده باشد؛ بر این اساس هجرت در راه خدا، همراهی و معیت ربانیون با پیامبران در اقامه ارزش‌های الهی و جهاد نفس و جهاد مالی و جهاد علمی فرهنگی و فهم قرآن بسترهای اصلی برای دستیابی به مقام شهادت دانسته شده است.(آل عمران، آیات ۱۴۰ و ۱۴۶ و ۱۵۴ و ۱۵۶ و ۱۹۵؛ نساء، آیات ۷۴ و ۹۵؛ توبه، آیات ۲۰ تا ۲۲ و ۱۱۱؛ احزاب، آیه ۲۳؛ محمد، آیه ۴)

به هر حال، شهادت مقامی بس والا و بزرگی است که انسان را از حالـــت معمولی خارج کرده و به یک انســـان خاص تبدیل می‌کند. اینکه شهید را شهید گفته‌اند، به سبب همان شهودی است که شهید نسبت به آخرت پیش از شهادت و حیات خاص و نیز علم و آگاهی پس از شـــهادت به دنیا و وضعیت مجاهدان در دنیا که خدا برای شـــهیدان قائل شده است پیدا می‌کند.(آل عمران، آیات ۱۶۹ و ۱۷۰)

به سخن دیگر، هر چند که شهیدان در راه خدا در یک سطح نیستند، به طوری که قبل از شهادت نسبت به عوالم دیگر شهود داشته باشند و عالم غیب برای آنان عالم شهادت باشد، اما همه

> **شهید با ریخته شدن خونش نه تنها از زنـــدان دنیا آزاد می‌شـــود، بلکه از سوی خدا از همه‌آلودگی‌ها پاک شده و گناهانش پوشانده می‌شود و خدا خود همه امور مهم و اساسی‌اش را اصلاح می‌کند.**

شهیدان پس از شهادت به مقام بلندی می‌رسند که آنان با حیات خاص و علم و آگاهی شهودی خویش نسبت به دنیا و بلکه تصرف در دنیا می‌توانند نشان دهند که حیاتی همانند حیات انسان‌هایی دارند که در دنیا زندگی می‌کنند؛ پس حیات آنان پس از شهادت نه تنها تضعیف نمی‌شـــود، بلکه حیاتی برای آنان خواهد بود که حیات محض و مطلق با تمام ابعاد و ساحات و آثار حیات است که از جمله آن، علم نسبت به دنیا و حتی تصرف در دنیا همانند زندگان است. از همین رو شهیدان را شاهدان الهی دانسته‌اند که نســـبت به دنیا شهود دارند و آثار این شهود و حیات در زندگی زندگان در دنیا خود را نشـــان می‌دهد؛ زیرا تاکید خدا بر حیات خاص شهیدان از آن روست که زندگان در دنیا بدانند که شهیدان پس از شهادت همچنان حیاتی همچون حیاتی در دنیا دارند و نسبت به آن علم و آگاهی و قدرت تصرف دارند که از بسیاری از شهیدان گزارش‌های گوناگونی نقل شده است.

همگرایی اجتماعی و عوامل ایجاد آن از منظر قرآن

مهدی صبوری

اتحاد در حوزه علوم اجتماعی به معنای همبســـتگی و هم‌رایی مردم در مســـائل و امور اجتماعی اســـت. از آنجا که هیـــچ اجتماعی بدون این عنصر شـــکل نمی‌گیرد، می‌توان گفت که از پایه‌های بنیادین هر اجتماعی، اندیشه، بینش و نگرش وحدت‌گرایانه مردمان است. وحدت رای و هدف است که انسان‌ها را به عنوان محور همگانی دور خود گرد می آورد و به آنان جهت می‌دهـــد. مردم بر پایه آن با یکدیگر تعامل می‌کنند و سازگاری و هماهنگی خاصی پدید می آورند. آثار و پیامدهای خاصی نیز بر این مجموعه بار می شود که بدون آن هرگز امکان تحقق نخواهد یافت.

در آیات قرآن از مسئله همگرایی و همدلی در میان مؤمنان که در اصطلاح قرآنی همان امت و جامعه توحیدمحور و برتر اســـت، به عنوان نشانه ای از نشانه‌های خداوند نام برده شده است تا به این نکته توجه دهد که اتحاد و همدلی از نعمت‌های خاص است که انسان باید از شکر آن برآید. قرآن با تاکید بر این مطلب که خداوند است که میان مؤمنان، نعمت برادری ایمانی را ایجاد کرده اســـت می کوشد تا از اهمیت و جایگاه اتحاد ایمانی پرده بردارد و ارزش این نوع از اتحاد را بنمایاند. (آل عمران، آیات ۱۰۳ تا ۱۰۸)

آثار همگرایی

آثاری که قرآن برای اتحاد میان مؤمنان بر می‌شمارد در حوزه‌های مختلف فردی و اجتماعی و دینی و معنوی است.

در حوزه فردی اتحاد موجب می شود تا بستری مناسب برای تحصیل تقوا فراهم آید و شخص در یک فضای مناسب و مطلوب بتواند به وظایف دینی خویش عمل کند و استعدادها و توانایی‌های خود را بشناسد و بروز دهد.(انعام آیه ۱۵۲)

در حوزه معنـــوی و عاطفی، همدلی و اتحاد ایمانی این کارکرد را خواهد داشـــت که شخص بتواند با خدای خویش ارتبـــاط عاطفی خاصی برقرار کند و به عنوان محبوب مورد توجه و عنایت خاص خداوند قرار گیرد. (صف آیه ۴)

همین مســـئله موجب می‌شـــود که جامعـــه از نعمت رحمـــت خاص الهـــی برخوردار شـــود و در دنیـــا و آخرت مـــورد توجـــه و عنایـــت خـــاص خداونـــدی قـــرار گیرد. (آل عمران آیات ۱۰۳ و ۱۰۷)

همین آیه به کارکرد اخروی اتحاد نیز اشـــاره می‌کند و تبیین می کند که چگونه انسان‌های متحد و مؤمنان همدل و هم‌رای و همسو در روز رستاخیز با چهره‌های سپید و درخشان در پیشـــگاه الهی حاضر می شوند و از اینکه موافق نظر الهی جامعه‌ای برتر را پدید آورده‌اند و از نعمت‌ها و برکات آن بهره‌مند شده‌اند خوشحال می‌شوند و سعادت و رستگاری واقعی را در آغوش می‌کشند.(همان) و در پی این رستگاری است که از آتش دوزخ خود را حفظ می کنند و به تقوای واقعی دست می یابند. (آل عمران آیه ۱۰۳)

در حوزه اجتماعی و سیاسی، همگرایی و همدلی ایمانی مؤمنان چنـــد کارکرد و اثر از خود به جا می‌گذارد، از جمله اینکه به عنوان نیروی بازدارنده عمل می‌کند و زمینه بروز هر گونه تجاوز را از بین می‌برد.

جامعه‌ای که متحد و منســـجم است دشمن را به هراس می افکند و اندیشـــه هر گونه تجاوز و تعدی را از آنان سلب می کنـــد، نظیر آنچـــه در یمن کنونی و اتحـــاد مردم این کشور در برابر دشـــمنان می‌بینیم. خداوند اتحاد و یگانگی امت را عامـــل مهمی برای رهایی جامعه اســـلامی از آتش جنـــگ و نزاع ارزیابی می‌کند و تبیین می‌کند که جامعه نه تنها خود گرفتار تنازع و درگیری و خونریزی نخواهد شـــد (آل عمران آیه ۱۰۳) بلکه موجب می شود تا مؤمن در برابر دشـــمنان از عزت برخوردار گشته و فکر تجاوز را از اندیشه و ذهنشان برباید.(انفال آیه ۴۶)

بنابراین عزت اجتماعی (همان) و عظمت و بزرگی مردم در این است که بر محور توحید و آموزه‌های وحیانی همدل و همسو شده و از آثار آن بهره مند شوند.

پیروزی در جنگ (انفال آیه ۴۵ و ۴۶) و نیز داخل شدن در حزب‌الله در گرو آن است که مؤمنان بر اصول اتحاد گرد هم آیند.(مائده آیه ۵۶) و صفوف خویش را بیش از پیش منسجم کنند.(آل عمران آیه ۱۵۲)

عوامل اتحاد

۱. ایمان

ایمان در بینش توحیدی به عنوان مهم‌ترین و نخستین علت و عامل شـــمرده شده اســـت. اگر به مؤلفه‌های اجتماع توجه شود به خوبی دانسته می‌شـــود که چرا در آموزه‌های قرآنـــی، ایمان به عنوان مهم‌ترین و اصلی‌ترین عامل معرفی شده اســـت؛ زیرا جامعه تنها در صورتی پدیدار می‌شود که انسان‌ها در راستای اهداف خاص و مشخصی با روش و رویه خاص گرد هم آیند.

از این رو قرآن ایمان را به عنوان عامل اصلی امت معرفی می‌کند؛ زیرا امت به گروهی از افراد انسانی گفته می‌شود که در زمان و مکان به هدف واحدی گرد آمده و همین هم رایی و هم بینشی و نگرشی، آنان را با یکدیگر متحد ساخته است. ایمان در نگرش قرآنی عاملی است که امت را به صورت جامعه برتر سامان می‌دهد و موجبات هم رایی و همدلی و همسویی

> **در قرآن از مسئله همگرایی و همدلی در میان مؤمنان که در اصطلاح قرآنی همان امت و جامعه توحیدمحور و برتر است، به عنوان نشانه‌ای از نشانه‌های خداوند نام برده شده است تا به این نکته توجه دهد که اتحاد و همدلی از نعمت‌های خاص است که انسان باید از شکر آن برآید. قرآن با تاکید بر این مطلب که خداوند است که میان مؤمنان، نعمت برادری ایمانی را ایجاد کرده است می کوشد تا از اهمیت و جایگاه اتحاد ایمانی پرده بردارد و ارزش این نوع از اتحاد را بنمایاند.**

آنان را فراهم می‌آورد. (بقره آیه ۲۱۳) ایمان همچنین رفتار میان افراد جامعه را اصلاح می‌کند و از اینکه اختلافاتی این وحدت رویه و هدف را به هم بزند باز می‌دارد و به اصلاح امور اختلافی و فساد انگیز می‌پردازد (حجرات، آیه ۱۰)

ایمان همان گونه که انســـان را به ســـوی حق رهنمون می‌کند و به کمال مطلق توجه می‌دهد نا انسان‌ها خود را در راه رسیدن به کمال مطلق قرار دهند؛ همچنین موجب می‌شود تا اختلافات کوچک و بزرگ میان مردمان را از میان بردارد و به اصلاح اعمال آنان کمک کند. (بقره آیه ۲۱۳)

۲. آموزه‌های قرآنی

قـــرآن دومین عامـــل اتحاد جامعه اســـلامی را کتاب و آموزه‌های وحیانی معرفی می‌کند؛ زیرا جوامع، نیازمند قانون مکتوب است که اختلاف را مهار و محدوده هر امری را مشخص و معلوم می‌کند؛ به‌ویژه آنکه منافع هر شخصی موجب می‌شود که تضاد در منافع پدیدار شود و برای مهار و کنترل آن، قانون، مهم‌ترین اهرم است. اصولا آموزه‌های وحیانی و کتب آسمانی در راستای دو امر ارتباط انسان با خدا و ارتباط انسان با انسان نازل شده است، بنابراین به مسئله قانون و نحوه ارتباط انسان‌ها در جامعه می‌پردازد. شریعت به معنای قانون وحیانی و الهی به ساماندهی روابط انســـانی می‌پردازد و موجب می‌شود تا انســـان‌ها با کمترین اختلاف در کنار هم زندگی کنند و در صورت اختلاف با مراجعه به آن از تداوم و یا تعمیق اختلافات جلوگیری نمایند.(بقره آیه ۲۱۳ و شورا آیه ۱۳ تا ۱۵)

۳. اطاعت از رهبران الهی

از همین‌جا مسئله اطاعت از رهبران الهی مطرح می‌شود. به این معنا که بسیاری از قوانین هر چند که کامل و به بهترین شکل نوشته می‌شوند ولی به چند علت در مقام عمل با دشواری مواجه می‌شـــوند؛ یکی از آن علل، تفسیر نادرست از قانون و دیگری عدم اجرای درســـت است. به‌ویژه که انسان در مقام داوری دچار خطا می‌شود؛ از این رو رهبران الهی می‌توانند به عنوان بهترین کارگزاران عمل کنند و قانون را در مقام اجرا به کار گیرند. اطاعت از پیامبران از این رو در آموزه‌های وحیانی به عنوان عامل وحدت معرفی شده است.(نساء آیه ۵۹ و انفال آیه ۴۶ ونور آیه ۶۲ و ابراهیم آیه ۳۶)

> **قرآن ریشه اختلافات را به طبیعت اختیاری انسان باز می‌گرداند که هر کس به جهت مختار بودن،به چیزی گرایش و از چیزی واگرایی دارد. این‌گونه اســـت که تضاد منافع نیز سر بر می‌آورد و افراد جامعه را به جان هم می‌اندازد. این گرایش‌های متضاد موجب می‌شود تا هر کس به سویی برود که مخالف نظر دیگری است.**

در حقیقت ایمان در حوزه بینشی و قرآن و کتب وحیانی به عنوان قانون و شریعت مکتوب و اطاعت از رهبران به عنوان مجریان قانون و عاملان کامل، اصلی ترین عوامل وحدت هر جامعه دینی است.خدا (آل عمران آیه ۶۴)، دین (آل عمران آیه ۱۰۳) و عقیده واحد (مؤمنون آیه ۵۳ و روم آیه ۲۳) همه به معنای ایمان است که به عنوان محور اتحاد در قرآن مطرح شده است. این محور با اطاعت از پیامبر و به شکل دیگر اطاعت از ســـنت و پیروی از اهل بیت(ع) به عنوان مجریان قانون و رهبران واقعی کامل می‌شود از این رو پیامبر بر دو امر کتاب و عترت تاکید می‌کند.

موانع اتحاد

قرآن برای تبیین و تحلیل همه علل و عوامل اتحاد جوامع به‌ویژه جامعه برتر و آرمانی به مسئله اختلاف نیز پرداخته تا با شناسایی و معرفی عوامل اختلاف به مؤمنان هشدار دهد. اختلاف که به معنای ناســـازگاری و انتخاب راهی غیر از راه دیگران در زندگی است، از جمله مهم‌ترین موانع پدیداری و پایداری اتحاد و همگرایی اجتماعی است.

بیشترین نماد و نمود این مسئله در امور اجتماعی در آراء و افکار و عقایدی پیدا می‌شـــود که در اهداف و برنامه ریزی اجتماعی دخالت دارد. تنش‌های برخاسته از اختلاف آرا و عقاید موجب می‌شود که جامعه دچار گسست شود.

از این رو نقش بینش‌ها و عقاید در حوزه مسائل اجتماعی چه در پدیداری وحدت و چه در پایداری آن مورد توجه بوده است. قرآن ریشه اختلافات را به طبیعت اختیاری انسان باز می‌گرداند که هر کس به جهت مختار بودن،به چیزی گرایش و از چیزی واگرایی دارد. این‌گونه است که تضاد منافع نیز سر بر می‌آورد و افراد جامعه را به جان هم می‌اندازد. (بقره آیه ۲۵۳ و هود آیه ۱۱۸) این گرایش‌های متضاد موجب می‌شود تا هر کس به سویی برود که مخالف نظر دیگری است.

فقدان شـــناخت از خود و محیط و هســـتی نیز به این مســـئله دامن می‌زنـــد. جهل و نادانی موجب می‌شـــود که فرد، تصور درســـتی از موقعیت خود در هستی نداشته باشد. گرایش به کمال، وی را به سویی می‌برد که ضد کمالی است و خواسته‌هایی را می‌جوید که زیانبار بوده و او را از هدف دور می‌کند. ناآگاهی از هســـتی و اهداف زندگی موجب می‌شود که به امور موجود در محیط خود دلبستگی پیدا کند و بیش از محیط خود نبیند.

این‌گونه اســـت که هدف را دنیـــا می‌یابد و به گرد آوری ســـرمایه روی می آورد. دوســـتی و دلبستگی به دنیا در وی تشدید می‌شـــود و موجب می‌گردد تا در پی دنیا برود و در صورت تضاد منافع، با دیگران درگیر شود. نمونه آن را حتی در میان مؤمنان شاهد بوده و قرآن بر آن گواهی می‌دهد که چگونه برخی از مؤمنان در جنگی به جهت غنیمت خواهی به جان یکدیگر افتاده و کارشان به اختلاف کشید. (آل عمران عمران آیه ۱۵۲)

بنابراین جهل (نســـاء آیه ۱۵۷ وبقره آیه ۱۱۳) و شک و تردید در حق و اهداف واقعی هستی(هود، آیه ۱۱۰ و فصلت آیه ۴۵) موجب می‌شود تا انسان راه را گم کند و به چیزهایی دلبســـتگی پیدا کند که اصالت ندارد و برای به دست آوردن آن به تنازع و اختلاف با دیگران می‌پردازد.

چنان‌که همین جهل موجب می‌شود تا نقش خدا را در امور هستی نادیده بگیرد و به مسائل به گونه ای دیگر بنگرد و برای دست یافتن به هر چیزی خود و علم خویش را دخیل دانسته و از نقش امور بیرونی و فرامادی غافل شود. این‌گونه است که حسد نیز رشد می‌یابد و در صورتی که خود را در وضعیت نابرابر دید از روی حسادت به اختلافات دامن می‌زند. (بقره آیه ۲۱۳ و آل عمران آیه ۱۹ و شـــورا آیه ۱۴ و جاثیه آیه ۱۷)

البته قرآن عوامل دیگـــری را در بروز اختلاف دخیل می‌داند و موانع اتحاد را بر می‌شمارد که از آن جمله شیطان و وسوسه‌های او(اسراء آیه ۵۳ و یوسف آیه ۱۰۰) عدم تعقل (حشر آیه ۱۴) منافقان (توبه آیه ۱۰۷) مستکبران (طه آیه ۶۱ و ۶۲) جوامع رقیب مانند یهودیان (آل عمران آیه ۹۹ تـــا ۱۰۳) ترس از غیر خدا (انفال آیه ۴۲ و ۴۳) ابزارهای فرازمینی مانند جادو (بقره آیه ۱۰۲) و حزب گرایی و خود محوری (مریم آیه (۳۷) را از عمده عوامل اختلاف و موانع اتحاد یاد می‌کند.

آثار چنین اختلافی در میان مردم، بی‌شـــوکتی جامعه ایمانـــی (انفال آیه ۴۶) جنـــگ و خونریزی (بقره آیه ۲۵۳ و آل عمران آیه ۱۰۳ و انعام آیه ۶۵) انحراف از حق و حقیقت (بقره آیه ۱۷۶) گمراهی و فاصله گرفتن از خدا و پیامبر(انعام آیه ۱۵۳) دشمنی و عناد و ستیز با یکدیگر (بقره آیه ۱۷۶) ذلـــت و خواری و خفت فردی و عمومی جامعه (بقره آیه ۸۳ تا۸۵) سستی و ضعف در برابر دشمنان (انفال آیات ۴۵ و ۴۶) و در نهایت شکست و فروپاشی جامعه است.(آل عمران آیه ۱۵۲)

قرآن اختلاف را امری طبیعی در جامعه بر می‌شمارد لذا راهکارهایی برای از میان بردن و یا پیشگیری از وقوع آن بیان کرده است که مهم‌ترین آن عبارتند از: رجوع به خدا و پیامبر (ص) به عنوان مرجع حل اختلافات جزئی و کلی(نور آیه ۵۱ و نساء آیه ۵۹) زیرا که مرجع نهائی حل همه اختلافات در میان بشـــر خداست (بقره آیه ۲۱۳ و شورا آیه ۱۰) و پیامبر (ص) نیز به نمایندگی از خداوند از چنین حق و ولایتی برخوردار است (نساء آیه ۵۹ تا ۶۱) همان گونه که اهل بیت به عنوان اولوالامر در پی پیامبر (ص) از این جایگاه و نقش برخوردارند.

از دیگر مراجع ذی صلاح در مســـائل اختلافی جزئی و بیـــرون از حوزه حکومت و امور اساســـی جامعه، هر یک از مؤمنان هســـتند که به عنوان مرجع از سوی خداوند معرفی می‌شوند. (انفال آیه ۱)

چراغ راه

شاخص تعامل با جامعه

قال الامـــام علی(ع): «خالطوا الناس مخالطة ان متّم معها بکوا علیکم و ان عشتم حنوا الیکم».

امام علی(ع) فرمود: با مردم چنان بیامیزید که اگر مردید بر شما بگریند و اگر زنده ماندید به شما مهربانی ورزند.[1]

۱- نهج‌البلاغه- حکمت ۱۰

حکایت خوبان

بستر خداشناسی با شناخت امام معصوم (ع)

امام حسین(ع) فرمود: ای مردم! همانا خدای بزرگ بندگان را نیافریده مگر برای اینکه او را بشناسند، وقتی او را شناختند او را پرستش خواهند کرد، هنگامی که او را پرستش کردند از بندگی غیر او بی‌نیاز می‌شـــوند. مردی گفت: ای فرزند رسول خدا! پدر و مادرم فدایت باد، شـــناخت خدا چیســـت؟ حضرت فرمود: عبارت اســـت از شناخت مردم هر زمان امام‌شان را، آن امامی که اطاعت او بر آنها واجب است.[1]

۱- علل‌الشرایع، شیخ صدوق، ص۹

پرسش و پاسخ

زندگی اجتماعی (۱) طرحی در نظام آفرینش انسان

پرسش:

براساس آموزه‌های وحیانی، چگونه رشد و تعالی انسان‌ها در پرتو یک جامعه و نظام اجتماعی صورت می‌گیرد؟

پاسخ:

تفاوت زندگی فردی و اجتماعی

زندگی انفرادی در مقابل زندگی اجتماعی است، زندگی فردی فاقد نظام و سنت و قانون و برنامه است، و بدون تقسیم رفع نیازها و بهره‌ها صورت می‌گیرد و هر کســـی به فکر خویش و رفع نیاز خویش و کشیدن همه بار زندگی به دوش خویش می‌باشد، بدون اینکه دیگری باری از دوش او بردارد و او را در قسمتی از امور یاری کند. یک چنین زندگی از منظر آموزه‌های وحیانی مخالف طبیعت و تکوین حیات انسان است، و هیچ گاه دوام نخواهد آورد و در نتیجه به شکل زندگی اجتماعی روی می‌آورد. در زندگی اجتماعی، حیات انســـان ماهیت اجتماعی دارد، و زندگی افراد براساس تقسیم کار و نیاز، آنگاه تقســـیم بهره و سود صورت می‌پذیرد و برای چنین تقسیم و همکاری، سنن و نظاماتی موجود است که افراد موظفند برطبق آن عمل نمایند.

پیدایش اهداف و آرمان‌های مشترک

در پرتو تقسیم رفع نیاز و بهره، در میان افراد یک نوع وحدت در فکر و اندیشه، در ایده و آرمان، در خلق و خوی به وجود می‌آید کـــه افراد را بیـــش از پیش به هم پیوند می‌دهد و در یک زندگی مشترک غوطه‌ور می‌سازد و همگی سرنوشت واحدی پیدا می‌کنند، به سان سرنشینان یک کشتی یا مسافران یک هواپیما، که همه با هم به مقصد می‌رسند و در هنگام بروز خطر سرنوشت واحدی پیدا می‌کنند. بنابراین اساس زندگی اجتماعی، مسئله تقسیم کار و بهره، حکومت آداب و سنن، وحدت خلق و خوی، و یگانگی در آرمان و فرهنگ است. در زندگی انفرادی، فرد در برابر فرد و یا افراد دیگر، هیچ نوع مسئولیتی به گردن نمی‌گیرد و کوچک‌ترین قراردادی میان افراد وجود ندارد. از این جهت فرد در این محیط‌ها آزاد است، در حالی که زندگی اجتماعی عملاً مسئولیت‌زا و تعهدآور است. از این جهت یک قســـمت از آزادی‌های انسان محدود شده و آزادی در حدود مصالح افراد جامعه محترم شمرده می‌شود.

فلسفه نظارت عمومی

به جهت همین وحدت در سرنوشـــت که بر افراد یک جامعه حاکم است، تظاهر به گناه و آلودگی در مجامع عمومی در اسلام اکیداً ممنوع اســـت و یک قسمت از امور مربوط به امر به معروف به همین موضوع مربوط می‌شـــود. به این جهت است که پیامبر گرامی اسلام(ص) می‌فرماید: هر گاه گناهی در پنهانی انجام گیرد، فقط خود طرف را آلوده می‌ســـازد، و اگر در مجامع عمومی انجام گیرد، جامعه را آلوده می‌سازد. (وسایل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۰۷) لذا به خاطر اینکه زندگی اجتماعی، زندگی مسئولیت‌زا و تعهدآور است،در آیین اسلام بر دوش یک فرد مسلمان که زندگی اجتماعی دارد، مسئولیت‌های بزرگ گذارده شده است که قسمت اعظم فقه اسلامی را سنن و نظامات اجتماعی اسلام تشکیل می‌دهد، و قوانین اجتماعی انسان به مراتب بیش از دستورهای فردی آن است.

دلیل اجتماعی بودن انسان

شکی نیست که انسان موجودی است که به شکل اجتماعی زندگی می‌کند و از طریق تقسیم کار و نیاز و تقسیم بهره و سود، به صورت عادلانه یا ظالمانه به حیات خود ادامه می‌دهد، ولی سؤال اصلی اینجاست که آیا زندگی اجتماعی، مقتضای فطرت او است و طرحی است که در خلقت و آفرینش او نهادینه شده و زندگی به غیر از این شکل یک نوع زندگی شنا برخلاف موازین آفرینش او می‌باشد؟

یا اینکه زندگی اجتماعی انسان مقتضای جبر زندگی و اضطرار اوست، که او را به چنین زندگی وادار ساخته است و هرگز چنین میلی در نهاد او وجود ندارد،و اگر به تنهایی می‌توانست بار زندگی را به دوش بکشد، هرگز به چنین زندگی تن نمی‌داد و آزادی فردی را با قید و بندهـــای اجتماعی محدود نمی‌کرد؟ یا اینکه زندگی اجتماعی انسان به مقتضای یک محاسبه عقلی است، زیرا زندگی بهتر و کم دردسرتر، جز با مشارکت و همکاری دیگران امکان‌پذیر نیست، و بهره‌گیری کامل از مواهب طبیعت، فقط در سایه زندگی اجتماعی ممکن می‌باشد، هر چند اصل زندگی به شکل ساده بر زندگی دسته جمعی متوقف نیست؟ هر سه نظر و منشأ اجتماعی بودن انســـان قابل طرح و بررسی است، اما باید بدانیم آموزه‌های وحیانـــی قرآن و روایات کدام دیدگاه را مورد تأیید قرار می‌دهد و با واقعیت‌های حیات فردی و اجتماعی انسان‌ها منطبق می‌باشد؟

(ادامه دارد)

سلوک عارفانه

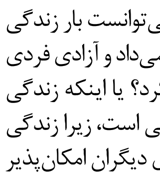

ازدواج، شکستن حصار منیت

چرا در اســـلام ازدواج یک امـــر مقدس و یک عبادت تلقی شـــده، با اینکه از مقوله لذات و شهوات است؟ یکی از علل آن، این است که ازدواج اولین قدمی است که انسان از خودپرستی و خوددوستی به سوی غیردوستی برمی‌دارد. تا قبل از ازدواج فقط «من» وجود داشـــت و همه‌چیز بـــرای «من» بود. اولین مرحله‌ای که این حصار شکســـته می‌شـــود، یعنی یک موجود دیگری هم در کنار ایـــن «من» قرار می‌گیرد و برای او معنی پیدا می‌کند (کار می‌کند، زحمت می‌کشد، خدمت می‌کند، نه برای «من» بلکه برای او) در ازدواج است.

۱- تربیت و رشد اسلامی، شهید مرتضی مطهری(ره)، بینش مطهر، ج۱۳، ص۱۰۲